

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زَيْنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ
مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ
وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى
نَصُرُ اللَّهَ إِلَّا أَنْ نَصُرَ اللَّهُ فَرَيْبٌ ﴿٢١٤﴾



زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان

درس هفتم

کلمهٔ اختلاف در لغت به معنای «پشت به هم کردن» و «هر کدام راهی را رفتن» است.^۱ این معنی در قرآن علاوه بر واژهٔ اختلاف، با واژگانی مثل تنازع (کشمکش) یا جدال (حریف مقابل را به میدان کشیدن)، نزغ (فساد برانگیختن و دوبه‌هم زنی) و... نیز آمده است. مهم این است که درگیری، نزاع و مقابلهٔ انسان‌ها با هم ناپسند است و پیامدهای ناگواری دارد؛ آرامش و آسایش انسان را از او سلب می‌کند و در موارد بسیاری به قتل و کشتار منجر می‌شود. چون تأمین آسایش و آرامش و حفظ جان افراد و جوامع از اهداف اساسی اسلام است، در آیات قرآنی از انواع اختلاف نهی شده است.

ریشه و منشأ اختلافات، گوناگون است و به همین سبب، اختلاف انواع متفاوتی دارد. در اینجا به چند نوع مشهورتر آن اشاره می‌کنیم و سپس آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- معنای دوم اختلاف، پشت سر هم آمدن است. در آیه ۱۹۰ سورهٔ آل عمران پشت سر هم آمدن شب و روز «اختلاف اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ» نامیده شده است. معنای سوم اختلاف، کشمکش و نزاع است، در آیه ۱۰ سورهٔ شوریٰ واژهٔ اختلاف در قالب فعل ماضی به همین معنا آمده است: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ»؛ «شما در هر موردی که با هم نزاع کنید، باید داوری و حکمش را به خدا ارجاع دهید.»

۱- اختلاف شیطانی

از چندین آیه قرآن فهمیده می شود که شیطان با جانبداری از فقر، فحشا، شراب، قمار، تقویت حس حسادت، ایجاد کینه با ترغیب انسان ها به حرف زشت زدن و نزاع و کشمکش، آنها را تحریک می کند. قرآن در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید :

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»

«به بندگانم بگو به بهترین وجه با هم سخن بگویند. قطعاً شیطان در بینشان فساد و تباهی و اختلاف

ایجاد می کند. شکی نیست که شیطان دشمن آشکار انسان است.»

قرآن در این آیه، کار شیطان را نزع می نامد و نزع (همان گونه که در تفاسیر و کتاب های لغت آمده) به معنی دو به هم زنی و ایجاد فساد است. راه حل برخورد با اختلاف شیطانی، بی توجهی به وسوسه های شیطان و مقابله با او با توسل به اندیشه، همت و تکلف عملی است. تکلف عملی این است که انسان خود را به مخالفت عملی با وساوس شیطانی وادارد و برخلاف میل شیطان عمل کند، و با بندگان خدا به بهترین وجه سخن بگوید.

تدبیر در آیه

۱- با تدبیر در آیه مبارکه ۵۳ سوره اسراء بگویند دشمن مشترک و آشکار انسان ها کیست؟ (با

هم گروهی های خود در مورد راه های دشمنی او با انسان ها تحقیق کنید.)

۲- قرآن راه نجات از نزع و فساد و اختلاف را چه می داند؟

۲- اختلاف به شیوه حاکمان ستمگر (اختلاف فرعونی)

اختلاف فرعونی حاصل تسلط فرعونیان بر سرنوشت و جان و مال مردم است. سیاست و روش فرعونیان این است که انسان ها را به دو دسته شهروند درجه یک و شهروند درجه دو تقسیم کنند و درجه اولی ها را به جان درجه دومی ها بیندازند تا خود بتوانند بر هر دو حکومت کنند. (قرآن این سیاست را استخفاف یعنی تحقیر و سبک کردن انسان ها می نامد.) این مطلب در آیه ۴ سوره قصص تصریح شده است :

«وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»

«و مردم آن را [سرزمین مصر] طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را بزبون و ضعیف می داشت؛

پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت.»

فرعون قبطی‌های مصر را بر سبطی‌ها حاکم نمود و آنها بی‌رحمانه سبطی‌های ستم‌دیده را آزار می‌دادند و استثمار می‌کردند. فرعون پسران بنی اسرائیل را می‌کشت و دختران را برای کار اجباری و بردگی زنده می‌گذاشت. راه برخورد با اختلاف فرعون، آگاهی دادن به توده‌های مردم و مقاومت کردن در مقابل سیاست‌های اختلاف‌برانگیز فرعونیان است.

۳- اختلاف نژادی، زبانی و قومیتی

قرآن کریم تفاوت رنگ و زبان انسان‌ها را آیه و نشانه عظمت خالق و مایه تفکر دانایان می‌داند. به راستی، انسان‌های سفید، سرخ، سیاه و زردپوست و اقوام و قبایل گوناگون، تابلوهای رنگین خداوند در نمایشگاه بزرگ هستی هستند. آری، وجود این همه زبان و لهجه در میان مردم روی زمین آثار صنع الهی است نه بستری برای تفرقه و نزاع. بشر با نگرش نادرست به این امر مهم، جنگ‌ها برافروخته است، دل‌های زیادی را شکسته و روح‌های بسیاری را آزرده و خون‌های فراوانی ریخته است. برای رفع این اختلاف‌های واهی، باید این تنوع در خلقت را نشانه‌ای از قدرت الهی دانست. هیچ انسانی در تعیین رنگ پوست، نژاد و قومیت خود دخیل نیست؛ که مطابق آیه قرآن در سوره حجرات، این خلقت با کلمات «خلقنا: آفریدیم» و «جعلنا: قرار دادیم»، کار خداوند دانسته شده است.^۱

بنابراین، باید با تفاوت‌های زبانی، قومی، نژادی و قبیله‌ای آگاهانه برخورد کرد و با همگان با لطف و محبت ایمانی رفتار نمود؛ همان‌گونه که رسول رحمت و رأفت با بلال حبشی، صهیب رومی، سلمان فارسی، کابان کردی و... برخورد می‌کرد.

۴- اختلاف دینی

قرآن شریعت آسمانی را منشأ تمام ادیان آسمانی می‌داند.^۲ همچنین، همه پیروان این ادیان

۱- سوره حجرات آیه ۱۳: «بَا أُنْهَى النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و به صورت تیره‌ها و قبیله‌های متفاوت در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی‌ترین شما در محضر خداوند با تقواترین شماست.

۲- سوره شوری، آیه ۱۳: خداوند آیینی را برای شما مؤمنان بیان و روشن نموده که آن را به نوح توصیه کرده است؛ همان دینی که آن را به تو، ابراهیم، موسی، و عیسی سفارش کرده‌ایم..... توجه کنید که تشریح یعنی قانون‌گذاری و ترسیم برنامه زندگی.

را مُسلم می‌نامد.^۱ این شیوه نام‌گذاری به معنای آن است که تمام پیروان ادیان ابراهیمی باید تسلیم خداوند شوند و موحد گردند. از طرف دیگر، قرآن برنامه توحید را برنامه مشترک پیروان رسول الله و نیز برنامه اهل کتاب^۲ می‌نامد^۳ و اهل کتاب را بسیار واقع‌بینانه تقسیم می‌کند و تعهد گروهی از آنان را به عبادت خدا، تلاوت آیات خدا و سجده کردن در نیمه‌های شب می‌ستاید.^۴ با توجه به تمام اینها درمی‌یابیم که دیدگاه قرآن، دیدگاهی عادلانه و منصفانه است. طبیعتاً برخورد با اهل کتاب در سنت هم، همین گونه است. پیامبر همه انبیای الهی را برادران خود می‌دانست؛ همواره با احترام از آنها یاد می‌کرد و یکی از اولین اقداماتش در مدینه، اعلان صلح با اهل کتاب ساکن آنجا بود. اگرچه اهل کتاب بارها علیه پیامبر و صحابه توطئه کردند، بر آنها دروغ بستند و نسبت به آنها بی‌ادبی کردند و حتی با مسلمانان جنگیدند و پرچم جنگ را برافراشتند؛^۵ طوری که پیامبر و صحابه در نهایت مجبور شدند با آنها مقابله کنند. با وجود این، مسلمانان از جاده حق و صواب خارج نشدند. قرآن حتی با مشرکان هم منصفانه برخورد کرد و فراتر از این، به پیروانش امر کرد که به مشرکان ناسزا نگویند.^۶ بنا بر تمام این دلایل، اسلام دین صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و پیروی از دین اسلام به معنای برافراشتن پرچم جنگ علیه پیروان ادیان دیگر نیست. قرآن می‌فرماید:

«خداوند شما را از رفتار نیکو با کسانی که [به‌خاطر دین] با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نکردند، منع نمی‌کند. با آنها به نیکی و عادلانه رفتار کنید؛ چون خداوند عادلان و نیکومثشان را دوست دارد، بلکه خداوند شما را از این منع می‌کند که با کسانی دوستی کنید که [به‌خاطر تعصبات دینی خود و ضدیت با دینتان] با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون راندند و برای بیرون کردن شما، دیگران [یعنی مشرکان] را یاری کردند».^۷

بنابراین، تفاوت دین نمی‌تواند دست مایه‌ای برای جنگ و جدل و خون‌ریزی و بغض و کینه باشد و

۱- به آیات ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، سوره بقره و آیات ۵۲، ۶۷، ۸۴، سوره آل عمران، سوره مائده آیه ۱۱۱، انعام آیه ۱۶۳، یونس آیه ۸۴ و ۹۰ و سوره عنکبوت آیه ۴۶ مراجعه کنید.

۲- به یهود و نصاری در اصطلاح قرآن «اهل کتاب» می‌گویند؛ یعنی کسانی که پیرو تورات و انجیل اند.

۳- سوره آل عمران، آیه ۶۴

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۱۳

۵- جنگ احزاب یکی از بارزترین این موارد است.

۶- سوره انعام، آیه ۱۴۱

۷- سوره ممتحنه، آیات ۸ و ۹

همان طور که گفتیم، تاریخ اسلام ثابت کرده است که مسلمانان با تمسک به قرآن و سنت، بهترین رفتار را با اهل کتاب و پیروان سایر ادیان داشته‌اند.^۱ امروزه هم مسلمانان باید از تحریک ناهلان متأثر نشوند و رأفت و رحمت اسلامی را فراموش نکنند.^۲

ما به عنوان پیروان کتاب (قرآن) و سنت باید با اهل کتاب با مهربانی و عدالت رفتار کنیم، پیروان سایر ادیان را به عنوان انسان بپذیریم^۳ و بدانیم که جلوه‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام، مکمل جلوه‌های فردی و عبادی آن در شخصیت فرد مسلمان است و هر نوع کوتاهی عمدی در این زمینه خیانت به دین خدا محسوب می‌شود.

۵- اختلاف مذهبی

یکی از زمینه‌های مهم برای رشد تفرقه میان مسلمانان تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای است؛ این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. آنچه مهم است آن است که هریک از گروه‌ها، فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بدانند. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای، مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند می‌توانند تمدن از دست رفته خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب ایستادگی نمایند. تقویت عوامل همگرایی و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز بر همگان واجب و ضروری است.

روش صحیح برخورد پیروان مذاهب باهم

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که همگی در کاروان ایمان هستند و تفاوت در آراء فقهی نباید قلب آنها را از هم دور کند. کافی است به همایش بزرگ و روح پرور حج بیندیشیم که چگونه همگی آنها در صف‌های پر از لطف و صفا در کنار هم نماز می‌خوانند و طواف و سایر اعمال را انجام می‌دهند. حاجیان نمایندگان تمام امت در آن عبادت پر از رمز و رازند. در حج که نمونه‌ای زیبا از کل اسلام است، تفاوت مذهبی نتوانسته است صفوف حجاج را بر هم زند، پس می‌توان با قاطعیت گفت که جایی

۱- رفتار شخص رسول الله ﷺ، خلفای راشدین، اموی‌ها به خصوص عمر بن عبد العزیز، عباسیان و عثمانی‌ها (به ویژه سلطان عبدالحمید نانی) بهترین نمونه و الگو برای مسلمانان معاصر است.

۲- سال‌هاست که سیاستمداران بیمار دل می‌خواهند پیروان ادیان ابراهیمی را به جنگ و خون‌ریزی وادارند و در این میان، کارنامه درخشان مسلمانان را مخدوش کنند. حاصل تحریک‌پذیری مسلمانان در مقابل این شیطنت‌ها، کشته شدن جوانان مسلمان از طرفی و خشن جلوه کردن دین اسلام از سوی دیگر است که طبعاً هر دو به ضرر مسلمانان است.

۳- توصیه امیرالمؤمنین در نامه مشهورش به والی مصر.

برای اختلاف^۱ یا بزرگ‌نمایی اختلافات جزئی باقی نمی‌ماند.

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که از کنگرهٔ آسمان آنها را ندا داده‌اند که:

«واعتصموا بحبلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲ «همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید».

۶- اختلاف طبقاتی

منظور از اختلاف طبقاتی تفاوت اقشار مختلف مردم در محدودهٔ رفاه است. در یک دسته‌بندی کلی انسان‌ها را از نظر برخورداری از رفاه می‌توان به سه دستهٔ فقیر، متوسط و ثروتمند تقسیم کرد. در مورد اختلاف طبقاتی باید توجه کرد که روش قرآن این است که معمولاً همراه با امر به صلوات به ادای زکات هم امر می‌کند و به قول مفسران، قرآن می‌خواهد رابطهٔ انسان را با خدا به وسیلهٔ صلوات و رابطهٔ مؤمن را با دیگران با زکات و عبادات مالی گرم و صمیمی کند. چنین دینی چگونه می‌تواند به انسان‌ها اجازه دهد به خاطر تفاوت طبقاتی با همدیگر تنازع و کشمکش کنند، یکدیگر را تحقیر کنند و یا به یکدیگر ستم روا دارند. راه پرهیز از اختلافی که ریشه در تفاوت طبقاتی دارد، تفکر به مفاهیم والای اسلامی در زمینهٔ مساوی بودن قدر و منزلت انسانی است.

۷- اختلاف حزبی^۳

حزب در لغت به معنای تجمّع است و به مجموعه‌ای از مردم که حول عقیده‌ای جمع شده‌اند، حزب می‌گویند. در اصطلاح علم سیاست، به سازمان‌های سیاسی که در پی تأثیرگذاری بر حکومت‌اند، حزب گفته می‌شود.^۴ پیوستن به احزاب محاسنی دارد که از جملهٔ آنها پشتیبانی اعضا از فرد و قوت یافتن فرد با پیوستن به جمع است.^۵ با وجود این نقطهٔ قوت، پیوستن به حزب گاه خالی از اشکال نیست. یکی از بلاهای پیوستن به حزب، تحزّب به معنای منفی آن است. تحزّب در معنای مثبت آن پیوستن به حزب است اما گاهی به دسته‌بندی انسان‌ها و ایجاد مرزبندی و پراکندگی در میان صفوف انسان‌ها و تعصب بیجا، گفته می‌شود. در این صورت فردی که دچار تحزّب شده است؛ از دیگران دور می‌شود، نسبت

۱- به معنی نزاع و کشمکش نه تفاوت.

۲- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳

۳- اختلاف جنسیتی، صنفی و طبیعی هم از دیگر انواع اختلاف است که توسط انسان‌ها موجب نزاع و کشمکش می‌شود.

۴- در جهان این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن افرادی با دیدگاه‌های همسو با حزب برای به‌دست آوردن مسئولیت و مناصب سیاسی صورت می‌پذیرد.

۵- الکساندر دوما، شعار «یکی برای همه، همه برای یکی» را شعار گروه کوچکی از تفنگ‌داران ذکر کرده است. امروزه به‌نظر می‌رسد که افراد امتیاز ملحق شدن به حزب را با این شعار بیان می‌کنند.

به سایر انسان‌ها زاویه پیدا می‌کند و به شیوه‌ای صرفاً عاطفی و به دور از تعقل از افراد هم‌حزبی خود دفاع می‌کند. گاهی کار به جایی می‌رسد که اخوت اسلامی فراموش می‌شود و مفاهیم وسیع اسلامی در چارچوبی تنگ محصور می‌گردند و این مسئله‌ای است که دلسوزان امت از آن منع می‌کنند. امروزه امت اسلامی، احزاب و جناح‌های بزرگی دارد که پیوستن به آنها (اگر به اثبات خود و نفی دیگران تفسیر و تعبیر شود) در نهایت به محدودهٔ اختلاف مذموم و ناپسند می‌رسد.

در اینجا لازم است به برنامه‌های پیامبر ﷺ در مدینه توجه کرد. رسول مودت و رحمت در میان مهاجران و انصار مدینه پیمان برادری برقرار نمود و برای عاطفی کردن بیشتر این پیمان، آنها را، دو نفر دو نفر برادر اعلام کرد. این برنامه در تاریخ اسلام «اِخَاء» نامیده می‌شود.

راه برخورد صحیح با آفات همسویی با احزاب این است که بدانیم ما به عنوان مسلمان مأموریم که در طول شبانه روز حداقل نُه بار در تشهد به تمام مسلمانان سلام دهیم و این بدان معناست که تفاوت‌های حزبی هم نمی‌تواند تمسک مسلمانان به صراط مستقیم را به هم بزند. باید بدانیم که مصالح جمعی مسلمانان و اعتصام آنها به حبل خداوند، مقدم بر مصالح حزبی و گروهی است.

سخن آخر دربارهٔ دوری از اختلاف :

بسیاری از واژگان کلیدی اسلام حامل مفاهیم صلح، آرامش و نیکی کردن است.^۱ زندگی پرخیر و برکت رسول الله ﷺ و آموزه‌های گهربار قرآن و سنت هم سرشار از مفاهیم دوستی، الفت، مهر، محبت و انس و اتحاد است. همهٔ اینها نشان می‌دهند که هر کس دین اسلام را به گونه‌ای صحیح و همراه با اشراق درونی بفهمد، از تنازع، درگیری و اختلاف دوری می‌کند.

بیشتر بدانیم

در برابر اندیشهٔ وحدت و اتحاد، اندیشهٔ تفرقه افکنی و ایجاد چند دستگی قرار دارد. همگان جملهٔ معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» را شنیده‌ایم. شاید باور این نکته چندان آسان نباشد که به‌رغم تصور بسیاری از افراد، این روش منحصرأ ابزار استثمار و استعمار برای سلطه‌گری بر ملت‌های عقب‌مانده و غارت آنهاست و به‌کارگیری آن قدمتی چندین هزارساله دارد. در قرآن کریم آمده است که «فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود». این شاهد قرآنی، خود مؤید گفتهٔ بالاست که استفاده از ابزار تفرقه افکنی پیشینه‌ای به قدمت طغیان و برتری طلبی انسان و بهره‌کشی او از همنوع خود دارد. با اندیشه کردن در این مسئلهٔ تاریخی، وحدت کلمه و اعتصام

۱- واژگانی مثل اسلام، مسلم، ایمان، مؤمن، دارالسلام (سرای صلح و سلامتی یکی از نام‌های بهشت است).

همگانی به ریسمان الهی و نیز مخالفت طاغوت‌ها با پیام آوران این دعوت آشکار می‌شود. مردمان یا هم‌کیش‌اند یا همنوع، و باید به دنبال راهی برای همراهی و همیاری بود. دشمنان این را نمی‌خواهند و بذره‌های تفرقه را می‌پروراندند. فرومایه آن کس که ناخواسته در این کشتزار به بیگاری گرفته شده است؛ شیعه نام باشد یا مدعی «سنت». در سایهٔ اخوت و برادری است که مصیبت‌ها آسان می‌شود. وحدت است که یوایی می‌آفریند. باید به قرآن بازگردیم و هویت گم‌گشتهٔ خویش را بازشناسیم. باید به ریسمان الهی چنگ زنیم و از ناملايمات هراسی به دل راه ندهیم که اگر خدا را باور کنیم و دل به آنچه در کتاب او آمده بسپاریم، نه سست خواهیم شد نه اندوهناک.

تکمیل کردن

دربارهٔ اوضاع نامناسب سیاه‌پوستان در جوامع غربی، به خصوص آمریکا، تحقیق کنید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با اندیشیدن دربارهٔ عبادت با شکوه حج، بنویسید که تعامل مسلمانان با هم (با وجود مذاهب و آراء مختلف فقهی) باید چگونه باشد؟
- ۲- آثار و نتایج زیان‌بار تفرقه چیست؟ چند مورد را نام ببرید.
- ۳- تفاوت‌های موجود میان اقوام و مذاهب در کشور را چگونه می‌توان به فرصتی برای اتحاد تبدیل کرد؟
- ۴- عمده‌ترین کار پیامبر ﷺ در مدینه برای ایجاد اتحاد در بین صحابه چه بود؟ در این باره تحقیق کنید.

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ اٰخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ
 عَسَىٰ اَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ اَنْ يَكُنَّ خَيْرًا
 مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْاَلْقَابِ بِئْسَ الْاِسْمُ
 الْفُسُوقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
 اِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا اِيْحُبُّ اَحَدُكُمْ
 اَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مَيْتًا فَكْرِهْتُمْوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَاُنْثَىٰ
 وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اَتْقٰكُمْ
 اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ قَالَتِ الْاَعْرَابُ ءَامَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا
 وَلٰكِنْ قَوْلُوا اَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَاِنْ
 تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُوْلَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ اَعْمَالِكُمْ شَيْئًا اِنَّ اللَّهَ
 غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤﴾



درس هشتم

آینده تاریخ در پرتو اخلاق اسلامی

از دیدگاه اسلامی، مطالعه آینده تاریخ مبتنی بر ملاحظاتی است که با آنچه در تفکرات آینده‌شناسان غربی می‌بایم متفاوت است؛ زیرا بیشتر این آینده‌شناسان غربی، دست خداوند را یکسره از تاریخ انسان کوتاه می‌پندارند و آینده را براساس استنباط از روند کنونی جمعیت‌شناختی، اقتصاد، زیست‌محیطی و مانند اینها مطالعه می‌کنند، درحالی که در دیدگاه اسلام، مطالعه آینده همواره مشروط به این است که اراده الهی را در همه لحظات زندگی انسان و در همه دوره‌های تاریخی حاضر بدانیم.

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت و فضایل اخلاقی تلاش و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک، کفر، ستمگری و بهره‌کشی از انسان‌ها را پیشه خود ساخته‌اند.

آنان که از شناخت آفریننده جهان در مانده‌اند و اداره‌کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند؛ اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود جهان را اداره می‌کند، براساس وعده الهی باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل شکست خورده و صحنه را ترک خواهد کرد.

دیدگاه قرآن کریم درباره آینده تاریخ

قرآن کریم آینده تاریخ را برای انسان‌ها پیش‌بینی کرده است، آنجا که می‌فرماید:

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنان را جانشین در زمین قرار دهد همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد و برای آنان دینشان را مستقر سازد و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا بپرستند و به چیزی شرک نورزند»^۱

در این آیه، وعده خدا به کسانی از امت محمد ﷺ است که ایمان آورده‌اند و کارهای پسندیده کرده‌اند؛ وعده این است که خدا ایشان را در زمین جایگزین دیگران می‌گرداند و آیین ایشان را که برای آنان می‌پسندد حتماً پابرجا و برقرار خواهد ساخت و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد. این وعده خداست. وعده خدا حق است و رخ می‌دهد و خدا هرگز خلاف وعده نمی‌کند.^۲

از دیدگاه قرآن مجید نیز آغاز جهان خلقت همواره نبردی چشمگیر مابین اهل حق و باطل وقوع یافته است؛ برای مثال میان گروهی از طراز ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ و پیروان مؤمن آنها و گروهی از طراز نمود، فرعون، جباران یهود و ابوجهل و امثال آنها این نزاع برپا بوده است؛ به تعبیر مولانا همواره دو پرچم یکی سپید و دیگری سیاه در جهان افراشته است. در این نبردها گاهی حق و گاهی باطل پیروز بوده است که البته این پیروزی‌ها و شکست‌ها بستگی به یک سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی داشته است. اما به تعبیر قرآن، در آینده تاریخ این توازن و برابری به نفع خیر خواهد بود و در نهایت این نیروی خیر است که بر شر غلبه می‌کند؛ اما این نیروی خیر که قرآن آن را اختصاص به بندگان شایسته خداوند می‌دهد باید همچون گذشتگان پرافتخار خود با ایمان و عمل در جهت جانشینی الهی تلاش کند و این امر منوط به پابندی به شجره طیبه اسلام است.

در تاریخ اسلام و با تأکیدات آیات قرآن یکی از مهم‌ترین عوامل نفوذ حق بر باطل، پابندی به اصول اخلاقی است. اخلاق اسلامی به عنوان اصلی‌مبنایی در توسعه دین و آرمان‌های اسلامی در جهان محسوب می‌شود که در آن عدالت فردی و اجتماعی به عنوان زیربنای آن آمده است؛ بدین معنی که اگر بتوان آحاد جامعه اسلامی را متخلق به فضیلت عدالت و اخلاق حسنه نمود، در واقع به توسعه حقیقی آرمان‌های اسلامی دسته یافته‌ایم. در ادامه به تبیین ساختار این ثمره درخت اسلام که همان اخلاق اسلامی است می‌پردازیم.

۱- سوره نور، آیه ۵۵

۲- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه مصطفی خرم‌دل، ج ۴، ص ۸۳۸

اخلاق اسلامی

یکی از مهم‌ترین ثروت‌های انسان، اخلاق ستوده است و ارزشمندترین این نوع ثروت، اخلاق اسلامی است.^۱ اخلاق اسلامی به مجموعه آداب و منش‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که با تکیه بر تنه درخت محکم دین، اصالت می‌یابد و میوه رفتار صحیح را در وجود مؤمن به بار می‌آورد. اخلاق فرد مسلمان معامله یا رفتاری سطحی و مصلحت‌گرایانه نیست. او مؤمن است و آب حیات در وجودش جریان دارد؛ به همین سبب، سخنانش مهرآمیز و نگاهش پر از عطف و بر خوردش گرم و صمیمی است. توحید و ایمان به قیامت، رنگ و بویی خدایی به گل وجودش داده است.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲

«ما آن سرای آخرت را برای کسانی برپا می‌کنیم که در زمین، خواهان هیچ نوع تکبر و استکبار و فساد و تباهی نیستند [و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی، خود بزرگ بینی و تباهاکاری، پاک است] و عاقبت و پایان خیر فقط مخصوص پرهیزگاران است.»

تدبّر در آیه

با تدبّر در آیه ۸۳ سوره قصص، بگوئید که برای بهشتی شدن چند شرط تعیین شده است.

بیشتر بدانیم

از آیه زیر می‌توان فهمید که تواضع و یاکی مؤمنان (به عنوان دو اخلاق والا و برجسته)، حاصل ایمان آنها به قیامت است.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^۳

«بندگان خاص خداى مهربان کسانی هستند که در زمین با فروتنی و دور از غرور راه می‌روند و هنگامی که نادانان آنها را مورد خطاب قرار دهند، به گونه‌ای ملایم و مسالمت‌آمیز جواب می‌دهند.»

۱- دیرین و دانش‌آموزان عزیز دقت کنند که هدف از این درس، تعریف علم اخلاق و تقسیم موضوعات و ذکر سیر تحول آن نیست بلکه هدف این است که با چند زیر ساخت اخلاقی و چند مورد اخلاق اسلامی آشنا شویم و اصل موضوع را با گوش جان بشنویم.

۲- سوره قصص، آیه ۸۳

۳- سوره فرقان، آیه ۶۳.

۴- توجه کنید که در شریعت اسلامی دو نوع سلام وجود دارد: ۱- سلام ملاقات، ۲- سلام خداحافظی. منظور از سلام در این آیه، سلام دوم است؛ یعنی بندگان خوب خدا صحنه نزاع و درگیری با جاهلان را رها می‌کنند. گرچه ممکن است برای ما ایرانی‌ها سلام دوم چیز عجیبی باشد؛ چون در ایران از کلمه «خداحافظ» یا «خدا نگهدار» استفاده می‌شود. فرقان، ۶۳

قرآن رفتار نرم و عاطفی پیامبر را هم حاصل رحمت خدا می‌داند :

«فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ.»^۱

«در پرتو رحمت خداست که تو با آنان [که سر از خط فرمان کشیده بودند] نرمش نمودی و اگر

درشت‌خوی و سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.»

جان کلام این است که باور عمیق به توحید و قیامت، نرم‌خویی و خوش‌قلبی و در نهایت خوش‌سخنی را

به‌دنبال دارد و معنای عمیق پشتوانه‌دار بودن اخلاق اسلامی، همین است.

تدبیر در آیه

با توجه به آیه ۶۳ سوره فرقان بنویسید که ترک کردن کسی که برخوردش مناسب نیست، چه

مزیتی بر مقاومت و درگیر شدن با او دارد.

چند ستون اساسی در ساختار اخلاق اسلامی

با مطالعه قرآن متوجه می‌شویم که اخلاق خوب مؤمن با چند پشتوانه^۲ محکم^۳ تقویت می‌شود. در واقع، این پشتوانه‌ها اکسیرهای^۴ با ارزشی هستند که کیمیاگرانه داشته‌های وجودی انسان عادی را به طلای ناب تبدیل می‌کنند.

۱- بیداری و یقظه

اگر قرآن را با تأمل مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که این کتاب روح پرور حاوی شش موضوع اصلی است. یکی از این موضوعات، توصیف طبیعت و جلوه‌ها و نعمات نهفته در آن است. اندیشه در صنع زیبای خداوند بذر حب او را در دل انسان می‌کارد و در نهایت، باغ وجود انسان را گلستانی از عمل صالح و اخلاق زیبای اسلامی می‌کند. قطرات زیبای باران که به امر خداوند به طبیعت طراوت و زیبایی می‌بخشد و با نغمه مخصوص خود جان‌ها را می‌نوازد و میوه‌ها و ثمرات رنگارنگ را به بار می‌آورد، تنوع رنگ خاک و سنگ کوهستان‌ها (رنگ‌های سفید، قرمز، سیاه و... خطوط کوه‌ها) مردمان رنگین‌پوست (سیاه، سفید، سرخ و زردپوست)، چهارپایان متنوع و جنندگان رنگارنگ (پروانه‌ها،

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

۲- جز اعتقاد به توحید و قیامت

۳- قدما (گذشتگان) به دارویی که درمان تمام امراض بود، در اصطلاح اکسیر می‌گفتند. اکسیر در واقع جوهری آمیزنده و گدازنده بود که ماهیت اجسام را تغییر می‌داد و مثلاً نقره و مس را طلا می‌کرد (این ماده اساساً وجود نداشت و وجود ندارد) اما براساس آن اعتقاد، در ادبیات فارسی به هر راه حل و اندیشه زیر بنایی فعال و پویا و با هر آنچه بسیار مفید است، اکسیر می‌گویند.

پرندگان، چرندگان، و درندگان متنوع) مگر صفحاتی از کتاب پر رمز و راز زندگی نیستند؟ چرا نباید در این کتاب جذاب نگرست^۱ و چرا انسان کتاب آسمانی ترسیم کننده این آیه‌های زمینی را تلاوت نکند تا سر سجود برآستان خدای بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ نهد و با خلق خدای، خوش خوی و خوش اخلاق گردد و در نهایت، در بهشت خداوند کارنامه قبولی دریافت کند و برای همیشه و تا ابد، در بهشت پر صفای پروردگارش با نیکان و عزیزان خدا دمساز گردد و بیاساید. قرآن از انسان‌های غافل‌ی که در نمایشگاه جذاب هستی از کنار آیات آسمان و زمین می‌گذرند و با ناسپاسی راه اعراض و بی‌توجهی را در پیش می‌گیرند، انتقاد می‌کند:

«وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»^۲.

«وجه زیادند آیات خداوند در آسمان‌ها و زمین، که غافلان از کنارشان می‌گذرند و در موردشان

تأمل و اندیشه نمی‌کنند و آنها را نادیده می‌گیرند».

قطعاً کسی که به خدا و آیتش بی‌اعتناست، به‌طور طبیعی در مقابل خوبی‌ها و خدمات پاک پدر و مادر و خانواده، ناشکری و ناسپاسی می‌کند. او به راحتی می‌تواند در مقابل خوبی‌های مردم بی‌مهری و ناسپاسی کند؛ بنابراین، ذکر خداوند و تفکر در آیات و نعمات او مَلَكَةٌ^۳ شکر و سپاسگزاری را، که از منجیات^۴ اخلاقی است، در انسان ایجاد می‌کند.

گام اول در پیدا کردن اخلاق نیکو همین یقظه (بیداری) و فکر و ذکر است. قرآن در موارد متعدد انسان را به یقظه دعوت می‌کند و به او می‌گوید بیدار شو. شما با ارزش هستی؛ شما جاودانه‌ای و قیمت شما بهشت است. در نمایشگاه پر فرّ و شکوه هستی غافلانه حرکت نکن. به آیات خدا با اندیشه نگاه کن و به وجود خودت بیندیش.

۲- تخلیه و رهایی از مهلکات

اکنون که بیدار شده‌ایم، لازم است وجودمان را از آلودگی‌هایی که تجربه کرده‌ایم، پاک کنیم. خداوند ما را پاک آفریده است اما خطاها، تأثیرات محیط، و سوسه‌های شیطانی و نفسانیات، وجودمان

۱- ترسیمی از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فاطر

۲- سوره یوسف، آیه ۱۰۵

۳- ملکه یکی از اصطلاحات علم اخلاق است. به صفتی راسخ و جای گرفته در وجود انسان که تغییر یا برداشتن آن تلاش و رنج و زمان بخواهد، ملکه گویند. ملکه در وجود انسان دو نوع است: ۱- ملکه خیر (صفات نیکو پسندیده)، ۲- ملکه شر (صفات زشت و ناپسند). قرآن ملکه خیر را «استقامت» و ملکه شر را «اصرار» می‌نامد.

۴- به عقیده یکی از بزرگ‌ترین صاحب نظران اخلاق اسلامی (امام محمد غزالی رحمته‌الله)، منجیات (نجات‌دهندگان) به اخلاق پسندیده‌ای می‌گویند که موجب نجات ابدی فرد متخلق و آراسته به آن می‌شود. در مقابل، امام غزالی به اخلاق ناپسندی که موجب هلاکت و بدبختی انسان می‌شود مهلکات (نابود کننده‌ها) می‌گوید.

را به مهلکاتی مبتلا کرده‌اند که ابتدا باید آنها را بشناسیم و با جدیت خویش، خود را از آنها پاک کنیم. اگر در منزل با ناپاسی با پدر و مادر برخورد می‌کنیم، اگر در جمع دوستان تندخو هستیم، اگر با مردم منصف نیستیم و در تعاملات اجتماعی حق و عدالت را رعایت نمی‌کنیم، باید خود را از این اخلاق‌های ویرانگر دور کنیم.

آشنایی با چند مورد از مهلکات

در علم اخلاق، به ناهنجاری‌های رفتاری «مهلکات» می‌گویند، این ناهنجاری‌ها به این سبب که زندگی و حیات ایمانی را نابود می‌کنند، مهلکات نام گرفته‌اند.

علمای علم اخلاق، تکبر، حسد، فساد، تباهی و بی‌رحمی را از بزرگ‌ترین انواع مهلکات به حساب می‌آورند. لازم است هر کدام از موارد بالا را به اختصار بررسی کنیم.

الف) تکبر :

روزی رسول خدا ﷺ با صحابه رضی الله عنهم دربارهٔ فرجام بد تکبر صحبت می‌فرمودند. فردی از صحابه عرض کرد: انسان دوست دارد لباسش خوب و کفش‌هایش زیبا باشد. پیامبر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمَطُ النَّاسِ»^۱؛ خداوند زیباست^۲، زیبایی را دوست دارد؛ تکبر انکار حق و سبک شمردن مردم است.

قرآن در بحث خلقت می‌فرماید که شیطان تکبر کرد.^۳

پیامبر و صحابه بزرگوارش از تکبر بسیار دور بودند. در تاریخ آمده است که وقتی اسبی جوان را به امیرالمؤمنین رضی الله عنه هدیه کردند، از سوار شدن به آن امتناع نمود و در جواب دوستانش که به این کار اصرار می‌کردند، فرمود: «این اسب زیبا و جوان است. می‌ترسم با سوار شدن به آن دچار تکبر گردم.»

تدبّر در حدیث

با تدبّر در حدیث پیامبر رضی الله عنه بگویند چرا انکار حق، بر تحقیر مردم (در تعریف تکبر)، مقدم شده است.

۱- مسند احمد ۴۴۳۶، سنن الترمذی ۱۹۹۸، سنن ابو داود ۹۱۸۰، صحیح مسلم ۹۱، سنن ابن ماجه ۵۹. این حدیث به گونه‌ای بسیار زیبا تصویری جامع از تکبر را ترسیم می‌کند.

۲- در تفسیر کلمهٔ جمیل برای خدا شارحان حدیث گفته‌اند، کار خدا زیباست، نام‌های زیبا و نیکو دارد و دارای صفات کمال و جمال است.

۳- خوب است بدانید که حسد به آدم رضی الله عنه و در پی آن سربیزی از خداوند و تکبر در مقابل قدر و منزلت آدم رضی الله عنه سه موردی بود که موجب هلاکت شیطان شد.

گسترهٔ تکبر: تکبر انسان‌ها در مقابل هم، زمینه‌های متفاوتی دارد و شایع‌ترین انواع آن عبارت‌انداز: تکبر در زمینهٔ محل ولادت^۱، زبان، نژاد، تکبر در زمینهٔ جایگاه طبقاتی (ثروتمند و فقیر)، مشهور و غیر مشهور، تکبر جنسیتی و حتی تکبر دینی.^۲

راه درمان تکبر این است که انسان به اصل خلقت بنگرد و مرگ را از یاد نبرد و فراموش نکند که تمام نعمت‌ها از خداست. ضمناً دعا کردن و درخواست تواضع از خدا هم اکسیری بسیار کارا و موفق است.

ب) حسد:

در علم اخلاق، تلاش برای به دست آوردن کمالات دیگران، غبطه نام دارد و غبطه یکی از انواع ارزش‌هاست، اما تلاش برای نابود کردن خوبی‌ها و کمالات مردم، حسد نامیده می‌شود. حسادت نوعی تنگ نظری و کم ظرفیتی است و اولین قتلی که در زمین انجام شد در پی حسادت بود.^۳

حسادت بیماری خطرناکی است که روح و روان و آسایش فرد حسود را به خطر می‌اندازد (همان ضرب‌المثل معروف حسود هرگز نیاستد) و در صورت عملی شدن افکار فرد حسود، آرامش کسی هم که مورد حسد قرار گرفته است، به خطر می‌افتد. فرد حسود در واقع انسان جسوری است که معترض اراده و حکمت خداوند و در مواردی تلاش فرد مورد حسادت است.

حسود از خیر خواهی به دور است؛ در حالی که خلاصهٔ دین خیرخواهی است. حسادت گاهی به کفر می‌انجامد؛ چنان که قرآن از قول کافران نقل می‌کند که به پیامبران می‌گفتند: آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟ (که در بشر بودن مثل ما است.)

درمان حسادت: برای درمان حسادت، توجه به چند نکته لازم است:

- ۱- ما هم نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.
- ۲- دنیا کوتاه و گذراست؛ غصه خوردن برای آن ارزش ندارد.
- ۳- حسادت، حقارت است؛ چرا خودمان را حقیر کنیم؟
- ۴- کسی که نعمت بیشتری دارد، وظیفه و تکلیف بیشتری هم دارد. (همان ضرب‌المثل «هر که بامش بیش برفش بیشتر.»)

۱- بحث‌های شهری و روستایی، شهرستانی و پایتختی بودن و...

۲- چه بسا کسانی که به سبب داشتن جایگاه علمی (در دین) و عبادت (با مصادیق مختلف آن) به تکبر دینی مبتلا می‌شوند. به قول حافظ:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

۳- اولین گناهی که در آسمان انجام شد، حسادت ابلیس به آدم بود.

۵- باید بدانیم که حسادت، خود آزاری است (البته در صورت دست به عمل زدن، به دیگر آزاری هم تبدیل می‌شود). خود آزاری و دیگر آزاری بهتر است یا آرام بودن و آسایش؟

۶- دعا بهترین داروست.

صحابه به جای حسد ورزیدن، از خوبی‌های دوستانشان تعریف می‌کردند و آنها را ستایش می‌نمودند. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه با وجود اینکه خود ثروتمند و اهل سخاوت بود، همیشه از سخاوت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه تعریف می‌کرد.

بیشتر بدانیم

دو نمونه دیگر از مهلکات :

۱- فساد و تباهی

خروج از اعتدال را (چه کم و چه زیاد) فساد می‌گویند. نقطه مقابل فساد، صلاح است. فساد در انسان این است که به جای طلب حلال به دنبال حرام باشد. به همین سبب اموری مانند دزدی، اختلاس، گناهان جنسی و تعرض به جان، مال، آبرو و دین مردم را فساد می‌گویند. امروزه فاسدان فناوری را در خدمت فسادشان به کار گرفته‌اند و از طریق رسانه‌ها و سایر وسایل موجود، فساد را ترویج می‌کنند؛ آن را تزیین می‌کنند و عادی جلوه می‌دهند.

متأسفانه ادبیات و هنر را هم فاسدان تخریب می‌کنند و با این دو موهبت و نعمت، مخاطبان را از جاده اعتدال خارج می‌سازند.

راه مقابله با فساد، یقظه و تخلیه است. باید بیدار باشیم و با توکل به خدا و اراده و هوشیاری، در مسیر اعتدال حرکت کنیم و اگر احیاناً از جاده صواب خارج شدیم، با استغفار و توبه بار دیگر به این جاده برگردیم. پاکي و پاک بودن و ادب در برابر خدا در هر سن و سالی ارزش دارد، اما در جوانی بسیار ارزش‌تر است و به قول اقبال لاهوری :

آبروی گل ز رنگ و بوی اوست	بی‌ادب، بی‌رنگ و بو، بی‌آبروست
نوجوانی را چو بینم بی‌ادب	روز من تاریک می‌گردد چو شب ^۱

۱- کسی را که به فساد مبتلا شده است، فاسد و فردی را که اعتدال اخلاقی دارد، صالح می‌گویند. کلمه فساد در مورد قلب و روح، بدن و حتی اشیاء خارج از اعتدال، به کار می‌رود. مثلاً روح و روان مهاجم و برخاسته را می‌توان فاسد نامید؛ چون از اعتدال خارج شده است یا عضوی زخمی را که متعفن شده است، می‌توان فاسد نامید؛ چون از حالت اعتدال بیرون رفته است. در مواد غذایی هم شیری که ترشیده شده، فاسد است؛ چون حالت اعتدال و پاکي را از دست داده و دگرگون شده است.

۲- جاویدنامه، اقبال لاهوری

در نوجوانی و جوانی باید همیشه در فکر تخلیه باشیم و به محض مبتلا شدن به بدی‌ها وجود خود را از آنها پاک کنیم. شکی نیست که فساد و تباهی آبروی انسان را نزد خود انسان نیز می‌برد.^۱

۲- بی رحمی :

یکی از مهلکات بسیار خطرناک، بی‌رحمی است و لازمه حیات قلب انسان، رحم است. وقتی شخص و جامعه بی‌رحم می‌شوند، هر نوع جرم و جنایتی آسان می‌گردد، امنیت نمی‌ماند و روز آرام انسان، به شبی سرد و تاریک تبدیل می‌شود.

امروزه بی‌رحمی به بیماری مسری، خطرناک و شایعی تبدیل شده است. نظام سرمایه‌داری برای حفظ پول و ثروت و سرمایه، جان انسان‌ها را حقیر می‌کند. افراد زیادی مهارت، ثروت و علم خود را با بی‌رحمی به جان مردم انداخته‌اند و جز سود شخصی، هیچ چیزی را مهم و هیچ‌کس را محترم نمی‌دانند. آنها با این روش، خود را هم از رحمت زمینیان (انسان‌ها) و هم از دعای آسمانیان (ملائکه) محروم می‌کنند. پیامبر رحمت چه زیبا فرمود: «الْزَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْاَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ»؛^۲ خدای مهربان به مهربانان رحم می‌کند. به اهل زمین رحم کنید تا اهل آسمان به شما رحم کنند.

باید در همین اوان جوانی بیدار شویم و قساوت قلب را از خود دور کنیم. قساوت و بی‌رحمی حاصل تحلیلی بسیار اشتباه است و آن تحلیل اشتباه این است که دنیا را میدان جنگ (و نه نمایشگاهی پر از لطف و صفا) بدانیم. باید با يقظه و بیداری دریابیم که :

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی ^۳

۱- آبرو اصطلاحی بسیار زیباست، گل زمانی شاد و خرم است که آبی در رو و وجودش مانده است و همین که این آب از بین می‌رود، خشک و پژمرده می‌شود و می‌ریزد. پاکی و مقاومت در مقابل پلیدی‌ها، آبروی انسان است و زندگی واقعی انسان وابسته به این اعتبار و آبروست. امروزه باید با هوشیاری بیشتر عمل کنیم. باید در آسمان زندگی شاهین وار پرواز کنیم؛ چون کرکس بودن بی‌آبرویی است :

کرکسان را رسم و آیین دیگر است سطوت پرواز شاهین دیگر است

کرکسان گردآگرد مردارها می‌چرخند و فرد فاسد، کرکس وار خود را در تباهی‌ها غرق می‌کند. شاهین و عقاب وجود انسان بلندپرواز است و محل سکونتش قلّه کوه‌ها و غذایش پاک‌ترین غذاهاست.

۲- سنن ترمذی ۱۹۲۴، مسند امام احمد ۲۴۶۵، سنن ابو داود ۴۹۴۱

۳- گلستان سعدی باب اول در سیرت پادشاهان؛ سعدی این شعر را از حدیث زیر گرفته است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَاتُرِهِمْ وَ تَرَاخُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اسْتَنَّكَ بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى.

رسول خدا ﷺ فرمود: مَثَل مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم، مانند یک تن است که چون عضوی از آن بیمار شود، همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد (صحیح بخاری ۶۰۱۱، مسند امام احمد ۱۸۳۵۵، صحیح مسلم ۲۵۸۶).

۳- تجلیه

تجلیه در لغت به معنای آراسته شدن است و در اصطلاح علم اخلاق، آراستگی فرد مؤمن به اخلاق و اعمال نیک را تجلیه می‌گویند.

در این مرحله از خودسازی، انسان در پی آن است که ظرف وجود خود را از چیزهای پاک پر کند، ذاکر شود، خیرخواه گردد، مهربان شود و مهر بورزد، راه عبادت و بندگی و اخلاص در پیش گیرد و تا جایی که می‌تواند به دیگران خدمت کند؛ گرم و صمیمی به همگان سلام کند و با همه به نیکویی سخن گوید.
چون :

حرف بدر را برب آوردن خطاست کافر و مؤمن همه خلق خداست
آدمیت، احترام آدمی با خبر شو از مقام آدمی^۱

با احترام با همگان برخورد کند و برای افراد سالمند احترام ویژه‌ای قائل باشد. همچنین رحمتش نسبت به فقرا و ضعیفان، بیشتر از دیگران باشد.

ارزش اهل علم را بداند، و حتی در مورد حیوانات هم رأفت ایمانی را رعایت کند. اینها همه تجلیه هستند و زیبایی وجود انسان پس از یقظه و تجلیه با تجلیه صورت می‌گیرد. صحابه پیامبر ﷺ در دوره مدنی طوری در زمینه تجلیه کار کرده بودند که همگان در خودسازی با یکدیگر رقابت می‌کردند.

۴- تجلیه

تجلیه در لغت به معنای جلا دادن و شفاف نمودن است و در اصطلاح علم اخلاق به مرحله‌ای از خودسازی گفته می‌شود که مؤمن متخلق به اخلاق اسلامی، با اخلاص بیشتر و رفع کاستی‌ها، اخلاق و رفتار زیبایش را نیکوتر می‌کند و جلا می‌دهد. توصیف ضرار، دوست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، از رفتار و عبادت آن بزرگوار تصویری گویا از تجلیه است. او می‌گوید: «شبی علی علیه السلام را دنبال می‌کردم که وارد مسجد شد. می‌خواستم عبادتش را بنگرم. علی علیه السلام شروع به نماز خواندن کرد. می‌گریست و خود را مورد خطاب قرار می‌داد. گاهی با دنیا صحبت می‌کرد و می‌گفت: ای دنیا، برو دیگران را فریب بده. علی به نعمت‌های فانی و لذت‌های گذرا، کاری ندارد. عمر تو کوتاه است و...»^۲ در این نوع مناجات زیبا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خواهد درون خود را در محضر خدایش صیقلی کند و تواضع دینی و تربیتی درونی‌اش را به اوج برساند.

۱- اقبال لاهوری، جاوید نامه.

۲- کتاب خلفاء النبی اثر خالد محمد خالد.

تجلیه با تواضع، استغفار و رفع نقص و کاستی عبادات و اخلاق نیک صورت می‌گیرد. هر چه دقت انسان در اخلاص بیشتر شود، اعمال و اخلاص جلالی بیشتری می‌یابد.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- درباره آثار و نقش استغفار در مقابل خداوند و عذرخواهی از مردم (به هنگام خطا و اشتباه) بیندیشید و توضیح دهید.
- ۲- در مورد کتاب مدارج السالکین و احیاء علوم دین تحقیق کنید. برای تکمیل تحقیق خود، کتاب معاصری را پیدا کنید و روش تربیتی آنها را به بحث و گفت‌وگو بگذارید.

۱- مراقبه، مشارطه، و محاسبه از دیگر مراحل خودسازی هستند که امیدواریم دیران گرامی و دانش‌آموزان عزیز در کلاس در این باره با هم به گفت‌وگو بنشینند.

منابع

- ١- سير اعلام النبلاء، شمس الدين ابو عبد الله، محمد بن احمد عثمان بن قايماز الذهبي، محقق: مجموعة من المحققين باشراف شيخ شعيب الارناؤوط، الطبعة مؤسسه الرساله بيروت، الثانيه، ١٤٠٢ هـ/ق/١٩٨٥م
- ٢- الفقه الاسلامي وادلته، زحيلي، وهبة، ناشر: دارالفكر، دمشق، سوريا، الطبعة: الخامس و الثلاثون، ١٤٣٨
- ٣- البداية و النهاية لابن كثير (عمادالدين اسماعيل بن كثير دمشقي)، مكتبة المعارف، بيروت، الطبعة ١٤٣٨
- ٤- السنة و مكاتبتها في التشريع الاسلامي، مصطفى السباعي، المكتب الاسلامي بيروت، نشر: دارالوراق، دارالنيرين، دمشق، الطبعة الثالثه، ١٤٠٢ هـ.ق
- ٥- منوى معنوى، جلال الدين محمد بن محمد مولوى، تصحيح: رينولد نيكلسون، تهران، نشر هرمس، ١٣٨٢
- ٦- اتمام الوفاء في سيره الخلفاء، محمد الخضري، نشر دارالفكر، بي تا
- ٧- صحيح البخاري، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بخاري، نشر الدار الدعوة، تركيا ١٤٠١ هـ
- ٨- المرتضى (سيره و زندگي جامع تحقيقي و تأليفى اسوه تقوى و عدالت حضرت على مرتضى)، سيدابوالحسن على حسنى ندوى، چاپ اول، مركز انتشارات فاروق اعظم، زاهدان، پايز ١٣٨٥
- ٩- الاصابه في تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلاني، ناشر دارالكتب العلميه، نشر بيروت لبنان، بي تا
- ١٠- تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، الطبعة حيدرآباد ١٣٢٥ هـ.ق
- ١١- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، تصحيح معمر فواد عبدالباقي، چاپ اول، قاهره، مصر ١٤١٢ ق/١٩٩١م
- ١٢- سنن ابن ماجه، ابن ماجه ابو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، قاهره، مصر، ١٤١٢ ق/١٩٩١م
- ١٣- خلفاى راشدين از خلافت تا شهادت، صلاح عبدالفتاح الخالدي، ٢٠١٤م
- ١٤- مسند، الامام احمد بن حنبل، شعيب الارناؤوط، عادل مرشد، بيروت، لبنان ١٤١٦ ق/١٩٩٦م
- ١٥- سنن الترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى ترمذى، تحقيق احمد محمد شاكر
- ١٦- مسند الدارمى (سنن الدارمى)، عبد الله بن عبدالرحمن دارمى، محقق: دارانى حسين سليمان، ناشر دارالمغنى، رياض، ١٤٢١ ق
- ١٧- گوستاولوبون فرانسوى، تمدن اسلام و غرب، مترجم سيد محمد تقى فخر داعى گيلاني، طهران ١٣١٨، چاپخانه علمى، چاپ سوم، ١٣١٨ هـ. ش
- ١٨- سيد قطب، تفسير في ظلال القرآن، مترجم دكتور مصطفى خرم دل، نشر احسان، چاپ پنجم، ١٣٩٤



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب ضمیمه دین و زندگی ۲ (ویژه اهل سنت) - کد ۱۱۱۲۳۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	دادکریم دانش پیپ	سیستان و بلوچستان	۹	ناصر میثاقی	هرمزگان
۲	سامی پورابراهیم	آذربایجان غربی	۱۰	عین الدین صدیقی	هرمزگان
۳	احمد تاجدار	آذربایجان غربی	۱۱	ملک جمشید کرد	سیستان و بلوچستان
۴	بهرام سرفراز روئین	خراسان شمالی	۱۲	نورصحت محمدی	خراسان شمالی
۵	صدیق محمودی	کردستان	۱۳	جمال قریشی	آذربایجان غربی
۶	منصور حسین زاده	کردستان	۱۴	گیتی پیرزاده	هرمزگان
۷	حسین فروغی فر	کردستان	۱۵	منظر دریانورد	هرمزگان
۸	جلیل بختیاری	کردستان	۱۶	موسی ملایی	هرمزگان

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظراً صلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴ - گروه دسی مربوطه و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تالیف کتاب های درسی عمومی متوسطه نظری

